



❖ ج) حجیت شهادت عدل واحد در تبیین موضوعات:

۱. مرحوم خویی درباره این مطلب می گوید:

«المعروف أن خبر الواحد لا يكون حجة في الموضوعات، وذهب جماعة إلى حجّيته فيها كما هو

حجة في الأحكام و هذا هو الصحيح»^۱

﴿ دلیل اول) سیره عقلا:

مرحوم خویی می نویسد:

«و الدليل على اعتباره في الموضوعات هو الدليل على حجّيته في الأحكام، و العمدة في ذلك هو

السيرة العقلانية القطعية، لأنهم لا يزالون يعتمدون على أخبار الآحاد فيما يرجع إلى معاشهم و

معادهم، و حيث لم يردع عنها في الشريعة المقدسة فتكون حجة ممضاة من قبل الشارع بلا فرق

في ذلك بين الموضوعات و الأحكام.»^۲

۲. بر این مطلب اشکالاتی مطرح شده است:

اشکال اول:

۱- مرحوم بجنوردی بر استدلال به سیره عقلا اشکال می کند:

«أما وجود السيرة و بناء العقلاء على قبول خبر الثقة و إن كان غير بعيد، إلا أنه أولا خبر الثقة غير

خبر العادل، و بينهما عموم و خصوص من وجه، إذ يمكن أن يكون خبر عدل و لا يكون ثقة، لكثرة

الاشتباه، أو عدم الضبط، أو غير ذلك. و أما كونه ثقة و غير عادل فإمكانه من الواضحات، بل

يمكن أن يكون كافرا و ثقة في إخباره، لتحرزه عن الكذب. و إن ادعى المدعى تحقق السيرة و

بناء العقلاء على حجّية خبر العدل الواحد، فعهدة هذه الدعوى عليه، إذ العقلاء لا يهتمون بعدالة

المخبر، خصوصا إذا كانوا من غير أهل الدين، بل ردهم و قبولهم دائر مدار الوثوق بالمخبر و إن

كان كافرا، فضلا عن أن يكون فاسقا، هذا أولا.»^۳

۲- آیت الله سید کاظم حائری، بدون اشاره به «خبر واحد عادل» و یا «خبر واحد ثقة»، نمی پذیرد که

سیره عقلا بر حجیت خبر واحد در موضوعات قائم شده باشد:

«لا يبقى لدينا شيء مهم في صالح إثبات حجّية خبر الواحد في الموضوعات ما عدا دعوى السيرة

العقلانية.

^۱ . التنقيح، ج ۱، ص ۲۶۴

^۲ . همان

^۳ . القواعد الفقهية، ج ۳، ص ۲۹



ولو ثبتت السيرة فاحتمال الردع على الأقل موجود ، كما عرفت ، ونحن نشكك في أصل هذه السيرة ، فنحن نتمسك بحجية خبر الواحد في الأحكام إضافة إلى الروايات بسيرة المتشرعة ، وهي غير ثابتة طبعاً في الموضوعات .

أمّا السيرة العقلانية فلا أظنها موجودة ، والارتكاز العقلاني ليس دالاً على أكثر من أن خبر الثقة قابل لإضفاء الحجية عليه من قبل المولى ، ولم يثبت لنا إضفاء الحجية عليه من قبل الشريعة إلا في باب الأحكام أو في باب ما ينقل لنا عن الإمام بما هو إمام .^۱

توضیح:

۱. سیره عقلایی معلوم نیست ثابت باشد
۲. و اگر هم ثابت باشد، ممکن است ردع شده باشد
۳. و در خبر واحد در کنار ادله دیگر، سیره متشرعه ثابت شد که در ما نحن فيه سیره متشرعه قابل اثبات نیست.
۴. پس سیره عقلایی مبنی بر رجوع به خبر واحد در موضوعات موجود نیست
۵. اما ارتکاز عقلایی [یعنی آنچه عقلاً در ذهن دارند ولی به آن عمل نمی‌کنند تا به مرحله سیره عملی برسد] هم تنها برای تکمیل [اضفاء] یک حجت کارایی دارد و قابلیت یک شیء برای حجیت را ثابت می‌کند (مثل حجیت خبر واحد در احکام و در موضوعاتی که ائمه (ع) به آنها اشاره کرده‌اند).

ما می‌گوییم:

اولاً: به نظر اشکال مرحوم بجنوردی کامل است و این درباره شهادت عدلین هم جاری است (و لذا به سیره در بحث شهادت عدلین اشاره نکردیم)

ثانیاً: عقلاً در موضوعات هامة حتی به خبر ثقة واحد هم عمل نمی‌کنند.

ثالثاً: مدار زندگی عقلاً بر تعبد نیست بلکه اگر خبری را می‌پذیرند بر اساس اطمینان عرفی عمل می‌کنند و به سبب آن است که آن اماره باعث اطمینان نوعی می‌شود. و به عبارت دیگر حجیت عقلایی چون برای ممانعت از مذمت عقلاً و وجدان شخص است، نمی‌تواند تابع تعبد بودن باشد. چرا که عقلاً تعبدی نسبت به امارات خود ندارند (به خلاف حجیت شرعی که می‌تواند تابع تعبد شرعی باشد. چرا که آدمی می‌تواند به سبب تعبد در مقابل شارع احتجاج کند) و به عبارت دیگر: یک عمل در صورتی دارای حجیت عقلایی است که اگر خلاف واقع بود، عقلاً، مرتکب آن را مذمت نکنند و اگر صحیح بود عقلاً، تارک آن را مذمت کنند. و این تنها در مورد آن دسته از حجت‌هایی است که عقلاً

^۱ . فقه اهل البيت، ج ۵۲، ص ۲۹



معمولاً به سبب آنها اطمینان پیدا می‌کنند و الاً عقلاً چیزی که باعث اطمینان نوعی نشود را، حجت قرار نمی‌دهند. (و یا لا اقل چنین حجتی در نزد عقلاً تاکنون یافت نشده است.)

و دقیقاً به همین جهت، اگر یک حجت عقلایی را شارع امضا کرده باشد، صرفاً در صورتی حجت است که باعث اطمینان نوعی شود و اصطلاحاً «اطمینان نوعی» همواره حیثیت تقییدیه در حجیت آن امر است.

البته توجه شود که گاهی عقلاً در امورات هامه، به سبب اینکه محتمل مهم است به صرف یک خبر ضعیف هم، حکم به رعایت امر مهم می‌کنند.